



به مناسبت ولادت امام موسی کاظم(ع)؛ میلاد هفتمین ستاره سپهر امامت

هفتم صفر سالروز میلاد امام موسی کاظم(ع) هفتمین ستاره سپهر امامت است. ایشان برای حفظ و گسترش مکتب جعفری، به مبارزه منفی با حاکمان جور و ستم عباسی پرداخت و سراسر عمر گرانیهای خویش را صرف اعتلای دین مبین اسلام کرد.

هفتم صفر سالروز میلاد امام موسی کاظم(ع) هفتمین ستاره سپهر امامت است. ایشان برای حفظ و گسترش مکتب جعفری، به مبارزه منفی با حاکمان جور و ستم عباسی پرداخت و سراسر عمر گرانیهای خویش را صرف اعتلای دین مبین اسلام کرد.

خانه ی امام جعفر صادق(ع) ششمین پیشوای شیعیان جهان در هفتم صفر 128 هجری قمری، با قدم مبارک نوزادی از نسل خوبان نورباران شد، ایشان را کاظم نام نهادند، مادرش حمیده بانویی پاکدامن و زاهد بود. امام موسی کاظم(ع) به جهت فراوانی زهد و عبادتش در میان پیروانش به العبد الصالح مشهور شد و به دلیل دارابودن ویژگی حلم و فرو بردن خشم خود به کاظم شهرت یافت. از لقب های دیگر این امام بزرگوار به امین و صابر می توان اشاره کرد و کنیه ایشان ابوعلی، ابوالحسن، ابوابراهیم، ابواسماعیل و باب الحوائج است.

این امام همام در دوره کودکی از چشمه ی جوشان علم و دانش الهی پدرش بهره های فراوان برد و خود را برای پذیرش مسوولیت سنگین سرپرستی و پیشوایی امت مسلمان آماده کرد. شهادت مظلومانه ی امام جعفر صادق(ع) در بیست و پنجم شوال 148 هجری قمری سبب شد تا ایشان در 20 سالگی امامت شیعیان را برعهده بگیرد. شخصیت، خصلت و دانش بی نظیر امام موسی کاظم(ع) به قدری خاص بود که بیشتر شیعیان در امامت و پیشوایی ایشان تردید نکردند.

اندیشه ی سیاسی امام موسی کاظم(ع) بر اصول شریعت، سنت پیامبر و امامان استوار بود، مکتبی که با مجاهدت و تلاش های امام جعفر صادق(ع) نظم و استحکام یافته بود و با فداکاری و پایداری امام موسی کاظم(ع) حفظ و تقویت شد.

ایشان 35 سال از عمر پربرت خویش را برای اعتلای اسلام و جلوگیری از انحراف دین صرف کرد و تمام تلاش خویش را برای رسوا ساختن حکومت جور عباسی و آشکار کردن حقانیت اهل بیت(ع) به کار بست، هفتمین امام شیعیان جهان با گردآوری حدیث های امام جعفر صادق(ع) پدر بزرگوارش موجب نشر و گسترش اسلام حقیقی در میان مسلمانان شد و با تعلیم و تربیت شاگردانی بسیار و با شیوه های مختلف تربیتی، عملی، مناظره های سیاسی، کمک به مظلومان و مبارزه بی امان با غاصبان خلافت به تشریح مبانی حق می پرداخت. برخی از شاگردان امام با نفوذ به دستگاه حکومتی نقشه ها و دسیسه های آنها را علیه امام و شیعیان خنثی می ساختند.

امام موسی بن جعفر(ع) در علم، حلم، فروتنی، سخاوت و بخشنده گی زبانزد همگان بود، بدخواهان و دشمنان خویش را با عفو و احسان بی کرانش تربیت و ارشاد می کرد.

دوران امامت موسی بن جعفر(ع) با حکومت جور خلیفه های بنی عباس چون منصور دوانیقی، مهدی عباسی، هادی عباسی و هارون الرشید همزمان بود، ایشان با وجود تمام محدودیت ها و خفقان حاکم همواره تلاش خویش را برای انجام وظیفه ی سنگین امامت و هدایت مسلمانان به خوبی انجام داد. محبوبیت و جایگاه ویژه ایشان در میان مردم و اعتقاد آنها به شایستگی امام موسی کاظم(ع) برای نشستن بر مسند خلافت و امامت، خشم دستگاه خلافت و حکومت را برانگیخت و مهدی خلیفه ی عباسی، دستور داد تا امام را در بغداد دستگیر کنند، اما پس از خوابی که دید و به خاطر شخصیت امام از ایشان عذرخواهی و امام را آزاد کرد. امام کاظم(ع) سالیان متمادی مورد اذیت و آزار دستگاه خلافت بود و اغلب در تبعید و زندان به سر می برد.

سرانجام هارون الرشید خلیفه ی ظالم عباسی، روشنگری های امام موسی کاظم(ع) را برنتافت و به وسیله ی سندی بن شاهک (زندانبان غیر مسلمان امام) ایشان را در بیست و پنجم رجب 183 هجری قمری در 55 سالگی مسموم کرد و به شهادت رساند. پیکر مطهر ایشان را در غرب بغداد، در منطقه ای به نام قریش جایی که بعدها کاظمین خوانده شد، به خاک سپردند تا میعادگاه دوستداران اهل بیت و شیفتگان خاندان رسول خدا باشد.

پژوهشگر گروه اطلاع رسانی ایرنا به مناسبت روز میلاد امام موسی کاظم(ع) با زهرا صالحی مدرس تاریخ اسلام در حوزه ی خواهران جامعه الزهرا به گفت و گو پرداخته است.

زهرا صالحی در رابطه با اهمیت شناخت سیره ی ائمه و جانشینان پیامبراکرم(ص) گفت: با توجه به جایگاه و نقش امامان در هدایت جامعه یکی از اصلی ترین کارهایی که دانشمندان مسلمان در هر عصری باید انجام دهند، نشان دادن سیره و روش آنان است، زیرا قرآن اطاعت از پیامبر(ص) و فرمانبرداری از ایشان را بر مردم واجب ساخته و آن حضرت هم مسلمانان را به اطاعت از عترتش فرامی خواند. پس لازم است تا عترت جانشینان پیامبر اسلام را به خوبی بشناسیم که امام موسی کاظم(ع) از جمله این بزرگواران به شمار می رود، ایشان را باید احیاگر مکتب جعفری دانست زیرا اوضاع حاکم در آن زمان مانع از هرگونه اقدام و حرکت سیاسی امام هفتم علیه حکومت عباسی بود و مصلحت نبود که امام در این زمینه فعالیت کند.

به همین علت ایشان راه پدر را که در محور برنامه علمی، فکری و مبارزه با عقاید انحرافی بود، در پیش گرفت و به تاسی از ایشان حوزه و محل درسی را تشکیل داد و به تعلیم و تربیت شاگردان بزرگ پرداخت و از همین راه به احیای مکتب جعفری همت گماشت و پاسدار دانشگاه جعفری شد. بزرگان شیعه و سنی، علم و عظمت علمی امام کاظم(ع) را ستایش می کنند از جمله سید بن طاووس چنین می نویسد: گروه زیادی از یاران و شیعیان امام به محضر امام می رسیدند و سخنان و پاسخ های امام به پرسش های حاضران را یادداشت می کردند و سید امیرعلی چنین می نویسد: در سال 148 امام صادق(ع) در مدینه به شهادت رسید ولی مکتب علمی او تعطیل نشد بلکه به رهبری جانشین و فرزندش امام موسی کاظم(ع) شکوفایی خود را حفظ کرد.

این مدرس دانشگاه درباره ی شاگردانی که امام هفتم شیعیان تربیت کرد، گفت: یکی از جنبه های بزرگ زندگی ائمه جنبه ی فرهنگی آن است به خاطر همین پیشوایان بزرگ و ائمه در زمان و عصر خود فعالیت فرهنگی داشته و در مکتب خود به تعلیم و تربیت شاگردان می پرداختند و علوم خود را به وسیله ی آنان در جامعه منتشر می ساختند و از وجود آنها برای مبارزه با مکتب های الحادی و انحرافی بهره می بردند. شاگردان ایشان که تعدادی از آنها در مکتب امام صادق پرورش یافته بودند در عصر امامت حضرت؛ از محضر ایشان هم کسب فیض کردند. از جمله ی آنها «علی بن یقین» بود که علاوه بر شاگردی، مقام وزارت در قصر هارون را هم برعهده داشت و از شاگردان دیگر «مومن طاق» را می توان نام برد که در علوم مختلف کتاب هایی را نوشته که از آن جمله می توان به احتجاج در امامت امیرالمومنین(ع) اشاره کرد.

همان طور که این شاگردان در دوره امام صادق(ع) هر یک تخصص خاصی داشتند، از جمله در حمایت از امامت و ولایت و بحث توحید، به همان روش هم در عصر امام کاظم(ع) هم به فعالیت خود ادامه دادند و امام از وجود آنها برای تداوم راه امامت و کلام شیعه بهره فراوان برد و این یعنی همان ادامه ی مکتب جعفری و در واقع حمایت از مکتب جعفری همان تداوم راه رسالت و سیره ی نبوی است.

استاد تاریخ اسلام با بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر امام موسی کاظم(ع) ادامه داد: خلفای معاصر امام منصور دوانیقی، مهدی عباسی، هادی عباسی و هارون الرشید بودند، از صفات بارز و مشترک میان آنها خوشگذرانی، خودکامگی، تاراج بیت المال، گسترش ظلم و ستم، سیاست تهدید و فشار اقتصادی بر جامعه ی اسلامی آن روز و به خصوص سخت گیری در مورد علویان بود که هدف آنها گرفتن مجال اندیشه و فکر در مسایل اجتماعی از شیعیان بود تا هر کاری را که خواستند بدون مخالفت انجام دهند.

ظلم و ستم هادی عباسی و سخت گیری او نسبت به علویان و شورش های پی در پی و با خشونت آنها سرآغاز نهضت بزرگی در برابر حکومت عباسی به رهبری حسین بن علی(صاحب فخ) یکی از نوادگان امام حسن مجتبی(ع) بود، حسین بن علی در مدینه دست به قیام زد و به نام قیام فخ در تاریخ شیعه ثبت شد، این حرکت ظلم و بیداد حاکمان عباسی بر مردم آن عصر را نشان می داد، هرچند امام کاظم(ع) در قیام نقش نداشت اما با این قیام مخالفت نکرد، در حقیقت امام علیه حاکمیت عباسی دست به قیام نزد و از مبارزه منفی استفاده کرد.

زهرا صالحی چهار نمونه از مبارزه های منفی امام(ع) را علیه حکومت جور بدین گونه برشمرد:

الف) مناظره های امام با خلفای عباسی

مناظره امام با هارون: در عصر هارون امام کاظم (ع) در مدینه در میان مردم محبوبیت زیادی داشتند. خلفای عباسی از جمله هارون نیز به دنبال کسب نفوذ معنوی و جلب اعتماد مردم بودند، اما اعتقاد قلبی با زور و قدرت به دست نمی آید، لذا از راه

عوام فریبی وارد شدند.

پیشوایان شیعه که نسب نزدیک به پیامبر داشتند و همواره مورد احترام مردم بودند و خلفا از این مساله رنج می بردند. لذا درصدد برآمدند تا نفوذ معنوی ائمه را از میان ببرند. از جمله ی آن می توان به عملکرد و مناظره های هارون رشید در برابر امام کاظم(ع) اشاره کرد، یکی از این مناظره ها بدین ترتیب است: هارون از امام پرسید: چرا شما خود را فرزندان رسول خدا می نامید نه فرزندان علی(ع)؟

امام فرمود: اگر پیامبر زنده شود و دختر شما را برای خود خواستگاری کند آیا دخترت را به عقد پیامبر در می آوری؟

هارون گفت: نه تنها این کار را انجام می دهم بلکه به این وصلت به تمام عرب و عجم افتخار می کنم.

امام فرمود: ولی نه پیامبر دختر مراخواستگاری می کند و نه من دخترم را به عقد او در می آورم.

هارون پرسید: چرا؟

امام جواب داد: برای اینکه من از نسل او هستم و این ازدواج حرام است و تو از نسل او نیستی.

هارون گفت: تو درست می گویی و حق با توست.

هارون در این گفت وگو به هدف خود نرسید و محبوبیت امام بیشتر و بغض هارون نسبت به امام افزایش یافت.

ب) امام به شیعیان دستور داد تا در دعاوی خود به دستگاه دولتی روی نیاورند و شکایت به آنها نبرند، سعی کنند با قرار دادن قاضی میان خود دعوای خویش را پایان دهند و بدین وسیله حضرت خشم و نارضایتی خود را از حکومت هارون پی در پی اعلام می کرد.

ج) دستور امام به یاران و شیعیان مبنی بر همکاری نکردن با دستگاه خلافت، نمونه ی بارز آن داستان صفوان بن مهران شتربان عصر امام کاظم (ع) است.

صفوان(هر سال موقع حج شترهای خود را به هارون اجاره می داد) امام روزی به صفوان فرمود: آیا بخاطر شترهایت که به هارون داده ای، دوست داری هارون از سفر صحیح و سالم بر گردد؟ صفوان گفت: بله بخاطر شترهایم دوست دارم به سلامت بازگردد. امام پاسخ داد: به همین اندازه که دوست داری او سالم بماند در ظلم او شریک هستی. صفوان تصمیم گرفت تا شترهایش را بفروشد.

د) اما گاهی امام با در نظر گرفتن مصلحت، به برخی از شاگردان خویش اجازه حضور و نفوذ در دستگاه حاکم را می داد. ایشان به علی بن یقطین برخلاف میل باطنی اش اجازه داد که در منصب وزارت هارون با بماند و هدف امام حمایت از شیعیان بود و علی بن یقطین با حضورش در دستگاه به عنوان چتر حمایتی برای شیعه بود.

پژوهشگر تاریخ اسلام علت دشمنی هارون رشید با امام کاظم(ع) را این چنین توضیح داد: امام روز به روز محبوب دل ها می شد و مردم بیشتر مجذوب ایشان می شدند، علت دشمنی هارون با امام را می توان در مورد های زیر خلاصه کرد:

1- شخصیت والای امام در نزد مردم

2- گزارش سخن چینان نزد هارون درباره ی امام

3- حرص هارون نسبت به سلطنت، هارون چنان به سلطنت حریص بود که روزی به پسرش مامون گفت به خدا قسم پیامبر هم در مقابل من برای سلطنت بایستد گردن او را خواهم زد.

4- دشمنی هارون نسبت به علویان

5- احتجاج(پاسخ های قاطع و کوبنده) امام در مقابل هارون

6- قاطعیت امام در برابر خلیفه

هارون بارها دستور دستگیری امام را صادر کرد و امام را به زندان افکند و از شیعیان جدا ساخت و ایشان سال های متمادی (بیش از چهار سال) را در زندان گذراند، البته امام در زندان هم دست از بیداری مردم و آگاهی وجدان ها برنداشت.

حضرت در زندان شکنجه و رنج های بسیار را تحمل کردند اما سرانجام هارون که روشنگری های امام را برنمی تافت با خوراندن زهری کشنده، امام را مظلومانه به شهادت رساند.

به امید درس گرفتن و الگو قرار دادن بزرگان و پیشوایان دین، همان اسوه های صبر، ایثار و مقاومت که در عصر امروز هر آزاده ای نیاز به درس گرفتن از این بزرگواران دارد.

پایان گزارش را به یکی از حدیث های پر بار امام موسی کاظم(ع) زینت می بخشیم:

«بهترین چیزی که به وسیله ی آن بنده به خدا تقرب می جوید بعد از شناخت خدا، نماز، نیکی به پدر و مادر، ترک حسد، خودبینی و به خود بالیدن است.»

از: مهسا شریفی